

دستان خون آلود

فجایع گذشته در کابل و میراث بیعدالتی در افغانستان

سازمان نظارت بر حقوق بشر

جولای 2005

ما با غرور و افتخار قابل وصفی داخل کابل شدیم... امیدوار بودیم که کشور ما پیشرفت خواهد کرد، نیرومند خواهد شد و برپاهای خود خواهد ایستاد. حملات اخیر بر کابل همه آرزوهای مردم افغانستان را به خاک نشانند و افغانان را در چشم جهانیان خوار ساخت.

حامد کرزی، معین وقت وزارت خارجه، در گفتگو با آسوشیتد پرس، 23 اگست 1992

I. دیباچه

افغانستان متحمل جنگ بیشتر از دو دهه شده است. این جمله، شروع تیپیک اکثریت گزارش ها، مقالات، و سخنرانی های نوشته شده اخیر درباره افغانستان است. این جمله که اکثراً برای توصیف چالش های بعد از سقوط طالبان استفاده می شود، آنقدر بکار رفته که حالت یک کلیشه را بخود گرفته است. بااینحال کوشش های کمتری صورت گرفته تا خود این تاریخ و اثرات آن بر وضعیت کنونی افغانستان مورد مطالعه قرار گیرد. جالبتر آنکه این جمله، علیرغم جق کثی های گسترده دوده جنگ، جنایات جنگی، و جنایت علیه بشریت، ندرتا مطرح کننده محاکمه جنایتکاران جنایات گذشته که اکثراً در قید حیات اند می باشند. گذشته افغانستان بکرات یاد ولی کمتر به آن پرداخته می شود.

این گزارش، که فقط یک بخش از همین دوده گذشته رابطور مستند ارائه می دارد، تلاش ندارد تا درمانگر این وضعیت باشد. این گزارش یک تاریخ جامع از درگیری های مسلحانه دوده گذشته و یا شرح کامل از تمام جنایات همین دوره نیست. و نمی تواند باشد. تدوین اسناد مکمل شنیعترین جنایات که در سالهای 1980 و 1990 در افغانستان صورت گرفته به کوششهای همه جانبه و درازمدتی نیازمند است که در کل باید مورد حمایت دولت افغانستان و جوامع بین المللی قرار گیرد. زمانیکه چنین تاریخی به تحریر درآید، در یک جلد نخواهد گنجید، بلکه قفسه ها از آن انباشته خواهد شد.

بیشتر، این گزارش به شرح یک سال از تاریخ افغانستان و حوادث که بلافاصله بعد از سقوط دولت مورد حمایت اتحاد شوروی در کابل یعنی سال 1371 تقویم خورشیدی که مطابق با آوریل 1992 الی مارس 1993 میلادی می گردد می پردازد. همچنان حوادثی را مورد توجه قرار داده که در یک محل، یعنی کابل، پایتخت افغانستان و نواحی اطراف آن اتفاق افتاده است.

چرا کابل و چرا سال 1371؟ اولاً، ابعاد و زمینه جنایات آن مطرح است. سال 1371 اولین سالی آزادی افغانستان از سلطه شورویها بعد از ده سال اشغال بود که از اوایل سال 1980 شروع شده بود. تغییر قدرت در کابل به آسانی می توانست در سال 1371 رقم زنده یک آغاز جدید برای افغانستان باشد.

در عوض، این دوره به یکی از سیه ترین زمانه ها مبدل شد. چنانکه، این گزارش نشان می دهد، در سال 1371 کابل تقریباً صحنه ای از درگیری های مسلحانه دائمی میان دسته های متخاصم مجاهدین و نیروهای نظامی بی بندوبار بود که بعد از فروپاشی دولت تحت حمایت اتحاد شوروی به شهر ریختند. در این دوره، گروه های مختلف با هم درگیر و مرتکب جنایات بیشماری علیه شهروندان افغان در کابل گردیدند. در این درگیریها دهها هزار تن از افراد غیر نظامی کشته و یا زخمی شدند. اگر بیشترین نه، بیشترین تلفات غیرنظامی نتیجه مستقیم حملات ویا تعرضات بی پروایی گروههای درگیر بر افراد عام و یا نتیجه تخطیها شدید از قوانین جنگی بود. هزاران تن از مردم عوام در اینمدت توسط ملیشاه ها ربوده شدند که اکثر آنان تا به امروز دوباره دیده نشده اند. قسمت های وسیع شهر تاراج و نابود شد. زیادتترین ویرانی های که حتی امروز کابل داغ آن را بر خود دارد در همین دوران و سالهای متعاقب آن و قبل از هجوم طالبان رخ داده است.

فجایع این دوره از فجایع سایر مراحل جنگهای افغانستان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تمام تاریخ جنگهای افغانستان از حدود زمان تهاجم اتحاد شوروی تا به امروز با فجایع رقم خورده است. در سالهای 1980 (1359 الی 1368 خورشیدی) ارتش سرخ اتحاد شوروی و ارتش متحد آن در دولت وقت افغانستان با حملات عمدی بر غیرنظامیان و محلات مسکونی، کشتن زندانیان، و شکنجه و قتل محبوسین مرتکب جنایات بزرگ جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت شدند. از اواسط الی اواخر 1990 (مطابق با سالهای 1375 الی 1380 خورشیدی) طالبان منحصی قدرت دولتی کاملاً فرا از معیارات شناخته شده حقوق بشری عمل کرده و جنایات جنگی بیشماری را در جریان حملات نظامی انجام دادند.

سازمان نظارت بر حقوق بشر و سایر سازمان های حقوق بشری قبلاً یافته های خود، از فجایع قوای اتحاد شوروی و دولت وابسته به آن و جنایات و اعمال سرکوبگرانه را که طالبان در جریان سالهای 1990 مرتکب شده اند در چندین گزارش نشر کرده اند. بعلاوه، سازمان ملل متحد یک فهرست از جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و تخطی های حقوق بشری را از سراسر دوران 1978 الی 2001 ترتیب داده است که بیشتر بر جنایات که در دوران اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی و طالبان صورت گرفته تمرکز دارد. (این گزارش علناً پخش نشد، اما در جنوری 2005 به دولت افغانستان تقدیم شد.) رسانه های بین المللی تخطی های دوران اتحاد شوروی و طالبان را وسیعاً پوشش داده است.

اما اتفاقات سالهای 1990 که در برگیرنده حوادث سال 1371 خورشیدی می شود کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در سطح جهانی این دوره تحت شعاع حوادث دیگری همچو مبارزات انتخاباتی امریکا میان بیل کلینتون و جورج بوش اول در سال 1992، فروپاشی اتحاد شوروی و جنگهای یوگوسلاویا سابق قرار گرفت.

بطور کلی امروزه درباره اتفاقات سال 1371 افغانستان معلومات ناچیزی در دست است. نسبتاً شمار اندکی از خبرنگاران افغانی و بین المللی حوادث این دوره را پوشش خبری می دادند، ناشرین و تولیدکننده گان رسانه های خبری از کنار اخبار مربوط افغانستان که توسط خبرنگاران آنان تهیه شده بود می گذشتند. هیچ ناظر حقوق بشر بین المللی در کشور حضور نداشت، عده معدودی از سازمان های خیریه در کشور فعال بودند، و تعدادی نسبتاً کمی از کارکنان سازمان ملل که در کشور موجود بودند مستقیماً مسئولیت نداشتند تا از وضعیت حقوق بشر گزارش دهند. این گزارش کوششی است برای پر کردن این خلغ معلوماتی.

دلیل دیگری توجه ما به حوادث سالهای 1990 رابطه ویژه آن با شرایط امروزه افغانستان است. بسا از قوماندانان و رهبران گروه های که در این گزارش متهم به ارتکاب جنایات شده اند از جمله مسئولین امور در اداره دولت امروزه افغانستان اند و در مقامات عالیه پولیس، اردو، استخبارات دولتی و حتی منحصی مشاورین رئیس جمهور کرزی مشغول کار اند. تعدادی دیگری از آنان در صدد اشغال چنین وظایف اند. اکثریت افغانها و بخصوص کابلیها باور دارند که این رهبران بخاطر سابقه جنایتباری که دارند فاقد شرایط لازم برای احراز چنین پستهای دولتی می باشند.

ما با این نظر موافقیم. ما (سازمان نظارت بر حقوق بشر) بیشتر از 25 سال می شود که در شرایط جنگ و بعد از جنگ در چهار قاره تحقیق می کند. ما شاهد موفقیت و شکست روندهای صلح زیادی بوده ایم و بارها مشا هده کرده ایم که چگونه در شرایط بعد از جنگ رهبرانی که سابقه جنایتباری داشته اند بخاطر تمایلی که به حل و فصل قضایا از طریق خشونت بجای قانون دارند به ادامه خشونت و بیقانونی دامن زده اند.

این درسا در افغانستان امروز قابل تطبیق است. علیرغم آنکه توافقنامه بن دولتی را تحت ریاست پرزیدنت کرزی ایجاد کرد، بیشتر نواحی کشور تا به امروز تحت اداره فرماندهان (جنگسالاران) خود سر محلی قرارداد که با دسته های نظامی خورد و بزرگ که در اختیار دارند تلاش می کنند مساعی دولت برای ایجاد صلح را خدشه دار سازند. عده زیادی از جنگسالاران و گروه های یکه در این گزارش از آنان در ارتکاب جرایم گذشته نام برده شده است در تخطی های امروزی شهر کابل چون دزدی، آدم ربایی، شکنجه زندانیان، تجاوز و قتل از سال 2001 تا کنون دست دارند.

سازمان نظارت بر حقوق بشر تعدادی زیادی از این جنایات را در گزارش¹ های قبلی انتشار داده است. بسیاری از مقامات عالی رتبه دولتی که در این گزارش و گزارش های قبلی ما از آنان نام برده شده است همچنان در توطئه غصب زمین های (شیرپور) که گزارش آن توسط سازمان مستقل حقوق بشر افغانستان به نشر رسید متهم شده اند.

بطور ساده می توان گفت، بسیاری از جنگسالارانی که در تعدیهای سال 1990 دست داشتند جنایتکاران آزموده اند. درک این حوادث برای بسیاری از کابلیها تکرار مکررات است، همچنانکه در ظرف سه سال گذشته همواره به نظارت بر حقوق بشر گفته اند: "جنگسالاران جنگسالار هستند." مگر ظاهراً چنین بر می آید که این درس از خاطره بسیاری از کارمندان دولت افغانستان و جامعه بین المللی رخت بر بسته است.

II. یافته های ویژه

این گزارش شماری از جنایات هولناک، جنایات جنگی، و جنایات علیه بشریت را که از آوریل 1992- یعنی سقوط دولت نجیب الله، رهبری که مورد حمایت اتحاد شوروی بود- الی مارس 1993 اتفاق افتاده است بطور مستند ارائه می نماید.

بخش دوم این گزارش که به دنبال دیباچه می آید ارایه کننده پس منظر تاریخی تا حوادث آنسال می باشد. بخش سوم جزء (الف) وقایع تصرف کابل توسط نیروهای مخالف نجیب الله را تا اواخر آوریل 1992 بازگو می کند، و به شرح خشونت های نیروهای درگیر در داخل شهر از آوریل الی دسامبر 1992 می پردازد که گروه های مختلف به نبرد با هم پرداختند. این گزارش جنایات هریک از جناحهای مختلف را که در این دوره مرتکب شده اند به بحث می گیرد، مانند حملات ناسنجیده نظامی، آماج قرار دادن عمدی غیرنظامیان؛ قتل و تعرض بر مردمان غیرنظامی، آدم ربایی، کار اجباری، و چوروچپاول اموال مردم. این گزارش همچنان اتهامات مبنی بر تجاوز به دختران و زنان و بچه ها را مورد ارزیابی قرار می دهد.

گزارش در بخش سوم جز (ب) به شرح تشدید جنگها می پردازد. بخش سوم جزء (ج) توضیح می دهد که چگونه جنگها در ماه فوریه سال 1993 با حمله نظامی چندین گروه از مجاهدین علیه نیروهای شیعی در افشار، واقع در غرب کابل، به اوج خود می رسد. آنگونه که گزارش نقل می کند در نتیجه حملات ناسنجیده و یا عمدی بر منازل مسکونی در مراحل تدارک این جنگ صدها نفر کشته و هزاران نفر دیگر آواره شدند. آنگونه که در این

¹ رجوع کنید به: "کشتن ات برای ما خیلی آسان است. تخطی های حقوق بشر در جنوب شرق افغانستان". گزارشی از سازمان نظارت بر حقوق بشر، جلد 15 شماره 5، جولای 2003. که در سایت ذیل قابل دسترس است: <http://www.hrw.org/reports/2003/afghanistan0703>؛

و همچنان به گزارش نظارت بر حقوق بشر به اسم: "بجای جنایات طالبان"، جلد 14 شماره 2، نمبر 13. گزارش نامبرده در سایت ذیل قابل دسترس است: <http://www.hrw.org/reports/2002/afghan2>

گزارش ذکر شده، ملیشاهای مهاجم عده ای زیادی از افراد غیرنظامی را جلو در منازل آنان در جریان جنگ بقتل رساندند. صدها تن دیگر ربوده شدند که تا به امروز اثری از آنان دیده نشده است.

در بخش چهارم، ما به قابلیت جزایی گروه‌های مختلف و رهبران گروه‌های درگیر که جنایات آنان در این گزارش درج شده، بشمول فرماندهانی که تا اواسط سال 2005 در دولت افغانستان مقامی داشتند به بحث پرداخته ایم.

بخش پنجم به تفصیل پیشنهادات اختصاص دارد.

III. جنایات گروه‌ها و رهبران که درج این گزارش شده است، قرار ذیل اند:

<ul style="list-style-type: none"> ● جمعیت اسلامی افغانستان (از این بیعد "جمعیت")، عمدتاً گروهی مرکب از مردمان تاجک تحت رهبری سیاسی برهان الدین ربانی و فرماندهی نظامی احمدشاه مسعود (که در حمله انتحاری 9 سپتامبر 2001 کشته شد).
<ul style="list-style-type: none"> ● شورای نظار، یک ترکیبی از نیروهای نظامی مختلف تحت رهبری فرماندهان مجاهدین، اکثر از شمال و شمالشرق افغانستان که تحت قیادت مسعود با هم جمع شده بودند.
<ul style="list-style-type: none"> ● حزب اسلامی، تشکیلی است عمدتاً از مردمان پشتون تحت رهبری گلبدین حکمتیار و یکی از دریافت‌کننده گان اصلی کمک‌های نظامی ایالات متحده از طریق پاکستان در سالهای 1980 و 1990.
<ul style="list-style-type: none"> ● اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان (از این بیعد "اتحاد") گروهی عمدتاً از مردمان پشتون تحت رهبری عبدالرب الرسول سیاف و دارای رابطه نزدیک با عربستان سعودی و مورد حمایت آنکشور.
<ul style="list-style-type: none"> ● حزب وحدت اسلامی افغانستان (از این بیعد "وحدت") گروه اصلی شیعی و عمدتاً از مردمان هزاره در افغانستان و شدیداً تحت حمایت ایران که در سالهای 1992 و 1993 تحت رهبری عبدالعلی مزاری (که در سال 1996 کشته شد) قرار داشت.
<ul style="list-style-type: none"> ● جنبش ملی اسلامی افغانستان (از این بیعد "جنبش") گروهی عمدتاً مرکب از ملیشاه‌ها از یک و ترکمنان واقع در سمت شمال افغانستان، تحت رهبری جنرال عبدالرشید دوستم (جنرالی باقیمانده از دوران دولت تحت حمایت اتحاد شوروی در سال‌های 1980) و متشکل از نیروهای مورد حمایت اتحاد شوروی و ملیشاه‌های مجاهد سمت شمال افغانستان.
<ul style="list-style-type: none"> ● حرکت اسلامی افغانستان (از این بیعد "حرکت") گروهی عمدتاً شیعی تحت رهبری سیاسی محمد آصف محسنی و فرماندهی نظامی سید حسین انوری و مورد حمایت ایران.

قسمت بیشتر زمانی که این گزارش به بحث در باره آن پرداخته است، حاکمیت افغانستان رسماً به " دولت اسلامی افغانستان" تعلق داشت که در آوریل 1992 بعد از سقوط دولت نجیب الله که تحت حمایت شورویها بود تا سپس شد. این دولت از آوریل الی جون 1992 تحت ریاست صبغت الله مجددی قرار داشت که رویهمرفته یک رهبر سیاسی ضعیف و از یک گروه کوچک مجاهدین واقع در پشاور بود. صبغت الله مجددی توسط بیشتر (ولی نه همه) گروه

های که قبلانام برده شد به شکل یک مصالحه برگزیده شد. دوره باقیمانده که این گزارش به شرح آن پرداخته است، الی آمدن طالبان در سال 1996، ریاست جمهوری افغانستان تحت اداره برهان الدین ربانی، رهبر سیاسی جمعیت اسلامی قرار داشت.

در سال 1992 ظاهرًا همه گروه های که قبلاً ذکر شد، به استثنای حزب اسلامی حکمتیار، تحت اداره حاکمیت همین دولت قرار داشت. (مگر چنانچه در این گزارش آمده است، وحدت در اواخر 1992 تغییر جهت داد و با حزب اسلامی متحد شد.) نیروهای اردو، پولیس، و استخبارات درابتدا دوره که این گزارش به بحث درباره آن پرداخته است، بیشتر مرکب از نیروهای جنبش و جمعیت بودند و تحت اداره ضعیف دولت قرار داشتند، گرچه ملیشاهای متحد با اتحاد، وحدت و حرکت نیز در آن حضور داشتند. فرماندهان و مقامات جمعیت، جنبش، و اتحاد غالباً در دفتر ریاست جمهوری و وزارت دفاع برای هماهنگی فعالیت‌های شان با هم دیدار داشتند.

حزب اسلامی حکمتیار از برسمیت شناختن دولت کابل در بیشتر مدت زمانی که این گزارش به شرح آن پرداخته است ابا ورزید و به جنگ با نیروهای دولتی و حمله به کابل پرداخت. (نیروهای وحدت تحت رهبری مزاری در اواخر 1992 به این کوشش‌ها پیوست.)

چنانچه در این گزارش نشان داده شده است، هریک از گروه های درگیر در جنگ های سال 1992-1993 دارای سلسله مراتب نظامی، فرمانده عمومی، فرماندهان درجات پائینتر، و عساکر² بودند. رهبران و فرماندهان می توانستند توسط این سلسله مراتب دستور انجام و عدم انجام یک عمل را صادر و عساکر را به اطاعت وادارند. گرچند این سلسله مراتب همیشه هویدا و منظم نبود و روابط پیچیده ای اتنیکی، قومی، و فامیلی آن راسیال می ساخت. اما ساختار گروپ ها همیشه منظم بود، وچه بسا که در اکثر موارد فرماندهان کنترل افراد خود را در دست داشتند. بیشتر جنایتها و تخطیها که در این گزارش از آن یاد شده، قابل اجتناب و مهار پذیر بوده است. چنانچه در ذیل نشان داده شده است، احتمال دارد شماری از جنایتها مستقیماً توسط قوماندانان فرمان داده شده باشد.

برای معلومات بیشتر راجع به ترکیب و مشخصات گروها که در بالا از آن یاد شد به بخش اول ضمیمه رجوع کنید.

IV. ارزش عدالت

دستان همه خون آلود است. این یک جمله تکرار شده دیگری در باره افغانستان است. برای قاطبه افغانها این جمله یک اعلام جرم است: دست رد به سینه جنگسالاران است که با سابقه ای از حق تلفی ها و جنایات جنگی در دولت کنونی افغانستان حضور دارند. اگر همه نه، خیلی از افغانها از ظلم و تبهکاریهای طالبان منزجر بودند. ولی

² این گزارش شرح ساختار فرماندهی گروها را بر اساس مصاحبه ها با منابع آشنا به حوادث سالهای 1992-1993 ترتیب داده است مانند کارمندان امداد رسانی، ژورنالیستان، تاریخ شناسان، و مقامات دولتی افغانی؛ کارمندان امداد رسانی بین المللی مانند کارمندان امور صحتی، ژورنالیستان، دیپلمات ها، و مجاهدین و رهبران گروها. تفصیل بیشتر راجع به ساختار فرماندهی این گروها در بخش پنجم آمده است. برای تحلیل و فهم بیشتر راجع به ساختار فرماندهی این گروها رجوع کنید به: بارنت روپین "در جستجوی صلح در افغانستان: از دولت حایل الی دولت ورشکسته" (نشر دانشکده پیل، نیو هافن، سال 1995 صفحات 117-119)؛ امین سایکل "دولت ربانی 1992-1996" افغانستان و طالبان: آیا بنیاد گرایی تولد دوباره یافت؟ (به ویراستاری ویلیام مالی، از نشرات پیشاهنگ، 1998، لاهور، صفحات 34-36)؛ نورمحمد سنگر، نیم نگاهی به ائتلاف های تنظیمی در افغانستان (چاپ پشاور، 2003)؛ و چنگیز پهلوان، عصر مجاهدین و ظهور طالبان، (تهران، نشرات چهره، 1999)

با آنها، افغانان دوره ماقبل آن زمان را فراموش نکرده اند، که بسیاری از اعضای رهبریت سیاسی و نظامی فعلی افغانستان در حکومت ما قبل طالبان دارای مناصب دولتی و گروهی بلند پایه بودند. مردم بخاطر دارند که چگونه گروها به چور و چپاول و درگیریهای خونین کوچه به کوچه بدون کوچکترین توجه به اثر این جنگها به حال مردم عادی می پرداختند. و همچنین مردم تمام جنایات هولناک دوران اشغال شورویها را بیاد دارند.

اما، "دستان همه خون آلود است"، برای مقامات افغانی و بین المللی توجیحی است برای گریز از محاکمه کشاندن عده ای از جانپسندان نقض کننده گان حقوق بشر در سطح جهان. مقامات در بعضی از صحبت ها یکه به رهبران آینده افغان اشاره دارد میگویند "هیچکس دستان پاک ندارد"، این بیان خود دست کم شمردن میلیون ها افغان در داخل و خارج کشور است که هیچگاهی در خونریزی ها شرکت نداشته اند.

در واقعیت امر میلیون ها افغان "هیچ لکه خون بر دامن" ندارند. و اکثریت آنان واجد شرایط خدمت در دستگاه دولتی اند و یا صلاحیت نامزدی آن را دارند. بعضی از آنان با سرفراشتگی خدمت کرده و می کنند. با اینحال بسیاری از افغانان مجرب از شرکت در دولت هراس دارند، از رهبران ملیشاه های قدرتمند میترسند، و از آنانی بیم دارند که به زبان دری به آنان می گویند "دست شان بخون آلوده است" و بواقعیت امر که دست شان به خون آلوده است.

حقیقت اینست که بیشتر افغانها می خواهند مسئولین و فرماندهان گروهای در گیر در این جنگها یکجا با آنانیکه در دوران شورویها و طالبان مرتکب جرم و جنایت شده اند مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال 2004 یک نظر سنجی ای را با هزاران شهروند افغان در سراسر کشور انجام داد تا نظر آنان را در باره جنایات گذشته و نحوه رسیدگی به آن به ارزیابی گیرند. کمیسیون در بخشی از گزارش می نویسد:

ابعاد جنایات که در افغانستان صورت گرفته خیلی وسیع است و قربانی که مردم افغانستان در نتیجه این بیرحمی ها داده است، از عمق و گستردگی زیادی برخوردار می باشد. در جواب این سوال که آیا شخصا از تخطی های حقوق بشر در جریان جنگ متاثر شده اید، 69 فیصد از مجموع 4151 پاسخدهنده ما تصریح کردند که خودشان و یا اعضای فامیل شان، قربانی مستقیم جرایم جنگی در جریان 23 سال گذشته بوده اند. از مجموع بیشتر از 2000 اشتراک کننده گروپهای مباحثاتی، افزون بر 500 تن از اشتراک کننده گان گروپهای مباحثاتی، به کشتار اعضای فامیل و نزدیکان خود اشاره کردند. تقریبا 400 تن از اشتراک کننده گان مباحثاتی، خود و یا اقارب شان مورد شکنجه و بازداشت قرار گرفته بودند. این آمار و ارقام تکانهنده است و تقریبا با سایر بحرانها در چهار گوشه جهان قابل مقایسه نیست.³

مطابق به نظر سنجی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان 94 در صد افغانها عدالت را یا "خیلی مهم" (75.9) در صد) و یا "مهم" (18.5 در صد) می دانند. وقتی که از آنان پرسیده شد که تاثیر محاکمه جنایتکاران جنگی در افغانستان چه خواهد بود، 76 فیصد جواب دادند که به "تقویت ثبات و استحکام امنیت خواهد انجامید" و فقط 7.6

³"صدای عدالت" گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، صفحات 8-9، سال 2005

فیصد نگرانی خود را از "بی ثباتی و شکنندگی امنیت" ابراز داشتند. تقریباً نصف پاسخ‌دهنده گان طرفدار محاکمه جنایتکاران جنگی "همین حالا" و 25 فیصد دیگر در "ظرف دوسال" آینده بودند⁴.

سازمان نظارت بر حقوق بشر، همراه با چندین سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیر دولتی افغانی، مکرراً از مقامات افغانی و جوامع بین‌المللی تقاضا کرده‌اند که برای محاکمه افراد که از سال 1978 تا بحال متهم به نقض جدی حقوق بشر و جنایات جنگی‌اند اقدام به تاسیس یک مکانیزم بیطرف و مستقل نمایند، و ما با خواست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان برای جلب توجه بیشتر به این موضوع کاملاً موافقیم.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در راستای پیشرفت در این زمینه یک سلسله پیشنهاداتی کوتاه مدت و آنی را مطرح کرده است که انزوا و برکناری افراد متهم به نقض حقوق بشر از مقامات دولتی، کمک به رشد ظرفیتهای محاکمات قضایی، و تحقیق پیرامون انتخاب مکانیزم پرداخت غرامت و تاوان به قربانیان حادثه بخش از آن است.

نظارت بر حقوق بشر در کل از پیشنهادات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بویژه از ضرورت برکناری افراد از مقامات دولتی و اعاده سیستم قضایی افغانستان برای محاکمه افراد متهم به نقض قوانین بین‌المللی حمایتی می‌کند.

بطور خلاصه ما با اکثریت افغانها و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان موافقیم که عدالت جزایی بخاطر جرایم گذشته مهم بوده، و ادامه مصئونیت جزایی به اعاده حاکمیت قانون و استقرار دولت افغانستان آسیب می‌رساند.

ادامه مصئونیت جزایی نه تنها یک توهین به حیثیت قربانیان جنایتها و عموم افغانها، بلکه سنگ لغزان در مسیر آینده صلح آمیز افغانستان است. هدف این گزارش ضمن اهداف دیگر، تحت فشار قرار دادن دولت افغانستان و جامعه بین‌المللی است تا ختم مصئونیت جرمی را نیز در دستور کارشان قرار دهند تا افغانها بتوانند به آنچه می‌خواهند: یعنی "عدالت جزایی" دست یابند.

به عنوان نخستین قدم ما پیشنهاد می‌کنیم که دولت افغانستان دستکم اقدامات آنی و فوری را جهت برکناری مقامات (که دستشان به خون آلوده‌اند) از مناصب دولتی رویدست گیرد. ما همچنان پیشنهاد می‌کنیم که جهت تسریع اصلاحات قضایی اقدامات آنی رویدست گرفته شود. بعلاوه پیشنهاد می‌نمایم دولت برای محاکمه متخلفین حقوق بشری یک محکمه اختصاصی را ایجاد نماید که مرکب از قضات داخلی و بین‌المللی باشد و اکثریت اعضای آن را قضات بین‌المللی تشکیل دهد و یک دادستان (حارنوال) بین‌المللی در راس دفتر دادستانی (حارنوالی) آن قرار داشته باشد.

V. شیوه تحقیق این گزارش

این گزارش متکی بر مصاحبه‌های عمیق با شاهدین و قربانیان حوادث سال‌های 1992-1993 و اعضای گروه‌ها و مسئولین آشنا به حوادث آن زمان است. کسانی که مصاحبه شده‌اند شامل افراد عام در جریان جنگها؛ خبرنگاران

⁴ همانجا

نشریات، رادیو و تلویزیون که جسارت رفتن به کابل را در آن زمانه ها داشتند؛ کارمندان امور صحنی که در کابل کار میکردند، مسئولین دولتی و گروهی و نظامی و دیگران بوده است. نظارت بر حقوق بشر همچنان با خبره گان و تحلیل گران امور نظامی که با گروههای مجاهدین و سیستم های تسلیحاتی و تاکتیکیهای نظامی این گروه ها در سال های 1992 و 1993 آشنا بوده است مصاحبه کرده است.

در غالب موارد، افغانها و منابع بین المللی که با ما مصاحبه کرده اند با توجه به حساسیت طرح این موضوع و حضور عده از افراد که در این گزارش متهم شناخته شده اند نگرانی خود را از امنیت خودشان با ما در میان گذاشته اند. از اینرو، اکثریت منابع فقط با مخففات مشخص شده اند که هیچ ربطی به اسامی اصلی آنان ندارد.

کاربرد شناسه ملیتی در این گزارش به هیچوجه به معنی حمایت و یا موافقت با کاربرد آن برای تمایز شهروندان افغان بر اساس روابط ملیتی نمی باشد. بسیاری از افغانها دارای اعقاب چند ملیتی اند و به ازدواجهای میان ملیتی پرداخته اند. ولی با وجود آنهم، بسیاری از افغانها خود را نظر به وابستگی به یک گروه خاص ملیتی و آنهم به نسب پدری معرفی می دارند. همه ارجاعات که به هویت های ملیتی مانند تاجک، پشتون، ازبک، هزاره) و هویت های مذهبی افغانها در این گزارش صورت گرفته است به استثنای جاهای که شرح دیگری ارائه شده است متکی بر معرفی فرد مصاحبه شونده از خود است.

VI. پیشنهادات

افغانها خواهان اجرایی عدالت در مورد جنایات گذشته اند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان یک همه پرسی همه جانبه را از طریق مصاحبه های انفرادی و گروهی در باره مسئله عدالت و جوابگویی به تخطی های گذشته در سال 2004 میلادی انجام داد. نظر سنجی فوق شکی باقی نگذاشت که اکثریت قاطع افغانها خواهان رسیدگی به گذشته اند و تلاش برای آن را بی ثبات کننده نمی دانند، و عدالت را زودتر از دیرتر می خواهند.

مطابق به نظر سنجی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان 94 در صد افغانها عدالت را "یا" خیلی مهم" (75.9 در صد) و یا "مهم" (18.5در صد) می دانند. وقتی از آنان پرسیده شد که تاثیر محاکمه جنایتکاران جنگی در افغانستان چه خواهد بود، 76 فیصد جواب دادند که به "تقویت ثبات و استحکام امنیت خواهد انجامید" و فقط 7.6 فیصد نگرانی خود را از "بی ثباتی و شکنندگی امنیت" ابراز داشتند. تقریباً نصف پاسخدهنده گان طرفدار محاکمه جنایتکاران جنگی "همین حالا" و 25 فیصد دیگر در "ظرف دوسال" آینده بودند.

سازمان نظارت بر حقوق بشر، همراه با چندین سازمان بین المللی و سازمان های غیر دولتی افغانی، مکرراً از مقامات افغانی و جوامع بین المللی خواسته اند که برای محاکمه آن عده افراد یکه متهم به نقض جدی حقوق بشر و جنایات جنگی از سال 1978 تا بحال اند اقدام به تاسیس یک مکانیزم بیطرف و مستقل نمایند، و ما با خواست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان برای جلب توجه بیشتر به این موضوع کاملاً موافقیم. ما از نظر کمیسیون که رئیس جمهور و دولت افغانستان باید به اعاده حقوق تلف شده قربانیان تخلفهای گذشته اهمیت بیشتر نشان دهد و جدا از تلاش های که برای محاکمه و جوابگویی متخلفین بعمل می آید حمایت نماید پشتیبانی می نمایم.

بنابراین، سازمان نظارت بر حقوق بشر، از دولت افغانستان می‌خواهد تا به تلاش‌هایی که برای تاسیس یک میکانیزم جهت محاکمه، خلع قدرت و برکناری جنایتکاران گذشته از مناصب دولتی بعمل می‌آید سرعت ببخشد. ما از دولت می‌خواهیم که از اجرای عدالت و جوابگویی که برای حاکمیت قانون و حمایت از حقوق بشر یک موضوع حیاتی است استقبال نماید.

ما همچنان از دولت می‌خواهیم که با جلب حمایت فعالانه کشورهای کمک‌دهنده به تسریع اصلاحات در سیستم قضایی افغانستان بپردازد که برای موفقیت تلاش‌های عدالت‌گستری امر لازمی است. تقرری قضات و دادستانان (حارنوالان) آزموده، متکی بخود و با اراده که هیچگونه تبعیت به رهبران گروها و افراد نیرومند محلی نداشته باشد امر حساسی در این راستا بحساب می‌آید. رئیس‌جمهور باید نقش رهبری را جهت ایجاد فضای ضروری که به استقلال واقعی دستگاه قضایی منجر شود بعهده گیرد و اساساً تضمین نماید که مسئولین دولتی در امورات قضایی دادگاه مداخله نکنند. دولت و مجامع کمک‌دهنده باید به کوشش‌هایی که جهت ایجاد یک دستگاه قضایی مسلکی و آموزش دیده بعمل می‌آید اهمیت بیشتری قایل شوند.

عده‌ای احتمالاً بحث خواهند کرد، از آنجاییکه عده‌ای از ناقضین حقوق بشر و متهمین بالقوه در دولت مرکزی و محلی بر مسند قدرت تکیه دارند پیگرد قانونی آنان به بی‌ثباتی سیاسی خواهد انجامید.

ما باور داریم که این تهدید همیشه بیش از حد واقعی آن جلوه داده شده است. واقعیت اینست که محاکمه افراد نیرومند که مرتکب نقض حقوق بشر می‌شوند همیشه با ریسک همراه بوده است. روند محاکمه افراد متهم به نقض حقوق بشر با حمایت جامعه بین‌المللی و جامعه مدنی در کشورهای که دارای وضعیت شکننده مشابه با وضع امروزین افغانستان در دوره بعد از جنگ بوده‌اند با موفقیت همراه بوده است. چنانچه قبلاً ذکر شد، نظر سنجی کمیسیون حقوق بشر افغانستان نشان می‌دهد سه نفر از هر چهار افغان باور دارند که محاکمه جنایتکاران گذشته نه به ناامنی بلکه به تحکیم ثبات خواهد انجامید.

احیای احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون می‌تواند به استقرار ثبات دوامدار در افغانستان پا دهد. روند موفق و جدی جوابگویی به جرایم گذشته یکی از شیوه‌های مطمئن رسیدن به این هدف است.

اما برعکس، آنانی که دارای سابقه جدی نقض حقوق بشر اند یکی از جدیترین تهدیدات برای ثبات سیاسی و آینده افغانستان بحساب می‌آیند. آنان از جمله کسانی‌اند که به احتمال قوی برای خرابکاری و ناکامی پروسه سیاسی و دستگاه قضایی افغانستان متوسل به قوه و سایر اعمال فراقانونی خواهند شد. بالاخره روزی دولت ناچار خواهد شد برای استقرار ثبات دوامدار به تهدیدهای مداوم این افراد پایان بخشد.

ما بعنوان گام‌های نخستین پیشنهاد می‌نمائیم که دولت درباره گذشته افراد که در مقامات دولتی شامل کار اند دست به یک سلسله بررسیها و تحقیقات بزند. موضوع فوق با جزئیات بیشتری توضیح داده خواهد شد.

چنانکه با تفصیل بیشتر در ذیل آمده است، ما پیشنهاد می‌نمایم که دولت و کشورهاییکه که نقش کلیدی را در افغانستان بازی می‌کنند روی تشکیل یک محکمه اختصاصی جهت محاکمه متخلفین گذشته کار کند. ما پیشنهاد می‌کنیم که محکمه موصوف متشکل از قضات داخلی و بین‌المللی باشد. طوریکه اکثریت اعضای آن را قضات بین‌المللی تشکیل دهد و ریاست دادستانی آن را یک دادستان بین‌المللی بعهده داشته باشد. اگر چنان بنظر آید که که تشکیل دادگاه فوق بنابر معاذیر امنیتی، مخالفت سیاسی، و استقلال قضات ویا بیطرفی سیاسی و مشکلات مربوط

به تامین امنیت شاهدان و کارمندان محکمه در داخل افغانستان غیر ممکن باشد، ما پیشنهاد می نمایم که محکمه در بیرون از کشور برپا شود.

ما از حساسیت های داخلی و پیامدهای پیچیده قانونی و عملی که از پیشنهاد دومی منتج می شود کاملاً آگاهیم . با آنهم با توجه به چند نکته باور داریم موضع فوق اهمیت بیشتری دارد. دادگاه اختصاصی، بشکل ایده آل آن در داخل افغانستان و در صورت لزوم در جای دیگری، بهترین مجال محاکمه عادلانه را مطابق به معیارات شناخته شده بین المللی فراهم می آورد. همچو یک محکمه ای می تواند با توجه به شرایط موجود و پیچیدگیهای تخنیکی و سیاسی محاکمات عمده بهتر از دادگاه داخلی رسیدگی نماید.

اما محکمه اختصاصی که فقط به یک عده محدود از دوسیه های خواهد پرداخت جواب درخوری برای تمام جنایات گسترده بی که در افغانستانی صورت گرفته است نخواهد بود. از اینرو، ما بعلاوه پیشنهاد می کنیم که رئیس جمهور یک هیئت موقتی را که مرکب از افراد فرهیخته و غیروابسته افغانی و بین المللی باشد تاسیس نماید تا در باره طرح و تطبیق برنامه های ضمنی که محکمه اختصاصی به آن نمی پردازد کار کند. مانند:

- رسیدگی به جنایات که دادگاه اختصاصی ظرفیت رسیدگی آن را ندارد و یا خارج از حوزه قضایی آن قرار میگیرد؛
- تاسیس یک آرشیف برای جمع آوری اسناد و مدارک از جنایات گذشته؛
- ارائه راه حل های کارآ در باره میکانیزمی ارایه غرامت، و بازپرداخت تاوان؛
- ابتکارات آموزشی، مانند تدوین کتابهای درسی که به شرح منصفانه حوادث تاریخی بپردازد.

پیشنهادات مشخص در ذیل آمده است:

❖ به دولت افغانستان

○ کارمندان امور عامه و انتصابات سیاسی

- رئیس جمهور، والیان ولایات، و سایر مسئولین امور اجتماعی نباید افرادی را در پستهای دولتی مقرر نمایند که شواهدی موثق علیه آنان موجود است که مرتکب جنایت علیه بشریت و تخطیهای جدی از موازین حقوق بشر و قوانین بین المللی شده اند. آنانیکه شامل کار اند ولی اتهامات موثق علیه آنان موجود است باید برکنار شوند.
- متقاضیان خدمات امور عامه باید مورد ارزیابی قرار گیرند و در مورد آنانیکه اتهامات موثق موجود است که مرتکب جنایت علیه بشریت و تخطیهای جدی از موازین حقوق بشر و قوانین بین المللی شده اند رد شوند.
- در مورد آنعه کارمندان برحال امور عامه که اتهامات انکار ناپذیری مطرح شده است باید مطابق به قوانین خدمات امور عامه برخورد صورت گیرد و از کار برکنار شوند. در صورت ضرورت قوانین خدمات امور عامه باید بازنگری شود تا ضمن تضمین حقوق متهم صلاحیت برکناری متهمین را در این

شرایط داشته باشد و متهمین نیز بتوانند به ادعاهای مطرح شده علیه خود در یک دادگاه مستقل و بیطرف اعتراض نمایند.

- دولت باید با توجه به پیشنهادات کمیسیون حقوق بشر افغانستان به اصلاح و تقویت کمیسیون خدمات امور عامه بپردازد. اعضای کمیسیون امور عامه باید که کارشناسان مستقل و بدون هیچ رابطه با رهبران سیاسی و نظامی باشند.

- به کمیسیون خدمات امور عامه باید صلاحیت داده شود تا در محضر عام به معلومات و اتهامات محرمانه مربوط به اعمال جنایتکارانه گذشته که مرتکبین آن در مناصب دولتی شامل کار اند رسیدگی کند. اعضای کمیسیون خدمات امور عامه باید میکانیزم خاصی را ایجاد نمایند تا زنان و دختران بتوانند معلومات شانرا با حفظ ایمنی و محرمانه با کمیسیون درمیان گذارند.

- داوری در مورد شایستگی افراد برای احراز مقام های دولتی نباید منحصر به وابستگی های قبلی و کنونی باشد. صرفا عضویت در یک حزب سیاسی، دسته نظامی، ملیشاه های مجاهدین، و یا مقام دولتی، نباید جرم و جنایتی شمرده شود. فردیکه خلع مسند می شود باید زمینه بررسی مدارک علیه خودش را داشته باشد، اتهاماتش مورد رسیدگی یک هیئت داوران بیطرف قرار گیرد، و بتواند در یکی از محاکم عمومی علیه تصمیم اتخاذ شده استیناف طلب شود.

- به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، همراه با سازمان های موجود حقوق بشر افغانی و بین المللی اختیار داده شود که به نیابت از قربانیان و بازمانده گان جنایات گذشته به کمیسیون خدمات امور عامه طرح شکایت نمایند.

- کمیسیون خدمات اجتماعی باید دارای دفاتر منطقوی باشد که صلاحیت رسیدگی شکایات را در آن مناطق داشته باشد.

○ **کاندیدها و کارمندان انتخاب شده**

- کمیسیون انتخابات افغانستان باید صلاحیت رسیدگی علنی به اتهامات مطرح شده علیه کاندید ها را در دوره های انتخابات آینده داشته باشد تا کمیسیون بتواند به اتهامات مطرح شده علیه کاندید ها درجنایات گذشته و تخطی های جدی از موازین حقوق بشر، قوانین جنگی، و جنایت علیه بشریت و همچنان نقض قوانین انتخاباتی و واجد شرایط بودن کاندید ها برای نامزدی در انتخابات رسیدگی نماید.

- به کمیسیون حقوق بشر افغانستان باید اختیار داده شود تا به نیابت از قربانیان و بازمانده گان جنایات گذشته به کمیسیون انتخاباتی شکایت ببرد. فرد متهم باید فرصت داشته باشد تا به دفاعیه از خود و رد اتهام و ارائه شواهد بپردازد.

- کمیسیون انتخابات باید به انتشار گزارش عمومی در باره شواهد ارایه شده بپردازد. کمیسیون انتخاباتی باید همه گزارشات خود را به دفتر دادستانی عمومی (خارنوالی) جهت تحقیقات جنایی احتمالی ارسال کند.
- کمیته انتخاباتی باید که دفاتر منطقوی را جهت رسیدگی به شکایات در سطح مناطق ایجاد نماید.
- مطابق قانون اساسی افغانستان, کمیسیون های انتخاباتی آینده که موظف به اجرای مفاد قوانین اند باید مانع ورود کاندید ها و مسئولین به میدان رقابتهای انتخاباتی شوند که توسط یک محکمه با صلاحیت به ارتکاب جنایت علیه بشریت, و یا جرایم جنایی دیگری, و یا به محرومیت از حقوق مدنی محکوم شناخته شده اند.
- پارلمان انتخابی آینده باید روی تنظیم قوانینی که به تعریف وظایف کمیسیون انتخاباتی و اختیارات قانونی آن می پردازد کار کند.

○ محاکمه جنایی

- دولت افغانستان برای رسیدگی جنایات که تحت قوانین بین المللی و داخلی در طول سالهای جنگ مسلحانه از سال 1978 در افغانستان اتفاق افتیده است باید یک محکمه اختصاصی را تا سیس نماید که صلاحیت تحقیق و محاکمه جنایات جنگی, جنایت علیه بشریت, و تخطیهای جدی از موازین حقوق بشر را داشته باشد.
- دادگاه اختصاصی باید صلاحیت داشته باشد تا متهمین را علاوه بر قوانین بین المللی چون قوانین جنگی, جنایت علیه بشریت, و سایر قوانین زیربیط با حقوق جزا بین المللی, مطابق به قوانین نافذ وقت افغانستان که تخطی در آن زمان صورت گرفته محاکمه نماید.
- محکمه اختصاصی باید مستقل و بیطرف باشد و شرایط لازم محکمه عادلانه را مطابق به موازین بین المللی فراهم آورد. این نیاز باید در برگیرنده تدوین یک برنامه کارآ برای حفاظت قربانیان, گواهان و فامیل های آنان شود. بسبب حساسیت ها و ننگهای عمیق اجتماعی که با بیجرمتی های اجتماعی و تجاوزات جنسی در افغانستان پیوند خورده است, محکمه اختصاصی باید مکانیزم های مطمئن و رازداری را ایجاد نماید تا زنان و دختران شواهدی حاکی از تجاوزات جنسی را به محکمه ارائه دارند.
- از آنجاییکه سیستم محاکم جنایی افغانستان فعلا قادر به تحقیق و محاکمه جنایات پیچیده بین المللی نیستند و از آنجاییکه تضمین عملی اجرا محکمه منصفانه متهم در دادگاه های داخلی با در نظر داشت واقعیت های موجود مشکل آفرین است, محکمه اختصاصی باید یک دادگاه ترکیبی از قضات و دادستانهای (خارنوالان) بین المللی و افغانی باشد. برای حراست از اعمال نفوذ و بهره جویی افراد نیرومند که احتمالا مورد پیگردجنایی قرار خواهد گرفت دادگاه باید با حد اکثر قضات بین المللی که دفتر دادستانی آن تحت ریاست یک دادستان بین المللی قرار داشته باشد تشکیل شود. دولت باید با پارلمان (ولسی جرگه) آینده کشور به حل مسایل که از لحاظ قانون اساسی و قضایی از ناحیه تشکیل چنین محکمه ای ناشی می شود بپردازد.
- به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان باید صلاحیت داد خواهی داده شود تا کمیسیون بتواند به نیابت از قربانیان و بازمانده گان جنایات گذشته به دفتر دادستانی محکمه اختصاصی شکایت ببرد.

- تشکیل محکمه اختصاصی باید با تلاش های گسترده تری جهت بهبود و توسعه سیستم قضایی افغانستان هماهنگ شود و کوشش شود تا ایجابات محکمه منصفانه مطابق با معیارات بین المللی فراهم آید.
- دولت به افرادی که به ارتکاب جرایم جنگی، جنایت علیه بشریت، و نقض سایر قوانین بین المللی متهم اند نباید اعلام هیچگونه عفو عمومی و یا بخشش نماید. نباید هیچگونه استثنایی برای کارمندان دولتی قایل شد.
- دولت افغانستان باید برای ایجاد همسویی میان افغانستان با تعهدات بین المللی اش، و برای رسیدگی جنایات که دارای ابعاد فاجعه بار کنونی باشد لایحه روم و یا دادگاه بین المللی جنایت را که در سال 2003 تصویب نمود از این پس مورد اجرا قرار دهد. ریس جمهور باید بلادرنگ بعد از انتخابات پارلمانی که در اواخر سال 2005 زمانبندی شده است لایحه را به پارلمان جدید کشور پیش کش کند که جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل کشی، و نقض دیگر قوانین بین المللی را تحت قوانین افغانستان جرم قلمداد نماید. رئیس جمهور باید با پارلمان جدید کشور برای وضع قوانین لازمه دیگر برای همسویی قوانین داخلی افغانستان با لایحه روم کار کند.

• سایر ساختارها

- رئیس جمهور باید یک هیئت موقتی از افراد مستقل و کارشناسان افغانی و بین المللی تشکیل دهد تا در باره تطبیق و طرح برنامه ها ضروری ضمنی برای رسیدگی تاریخچه جنایات افغانستان که محکمه اختصاصی به آن نمی پردازد کار کند مانند تاسیس یک آرشیف برای جمع آوری اسناد و مدارک جنایات گذشته؛ ارائه راه حل های کارآ در باره نوعیت میکانیزم پرداخت غرامت و یا تاوان؛ رویدست گرفتن برنامه های آموزشی نو گرانه مانند تدوین کتابهای درسی که به شرح منصفانه حوادث تاریخی بپردازد.

❖ به جامعه بین المللی و کشورهای کمک کننده

- مجامع بین المللی و کشورهای کمک کننده باید از تلاش هاییکه برای تاسیس یک ساختار رسیدگی به جنایات گذشته بعمل می آید (و در پیشنهادات قبلی مورد بحث قرار گرفت) حمایت سیاسی، تکنیکی، و اقتصادی همه جانبه نماید.
- مجامع بین المللی درموقع تنظیم برنامه ها خود در مورد نوعیت ساختار رسیدگی به جنایات گذشته در افغانستان باید به عقاید مردم آنکشور احترام گذارد.
- کشورهای دیگر باید از تحقیقات درباره جنایات گذشته، بشمول فراهم آوردن زمینه دسترسی به اسناد و مدارک که خارج از افغانستان قرار دارد، همه جانبه حمایت نمایند.